



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۷/۱۶

م. اسحاق نگارگر

## پلانگذاری، کار اجتماعی و تعلیم و تربیه:



روزگاری بود که علاقمندان به حکم کنجاوی به آموختن می پرداختند و علم چندان کاری به زندگانی عملی مردم نداشت. فلسفه که علم را نیز زیر بال گرفته بود به موضوعات بسیار مجرد می پرداخت و به جای اینکه نخست مقوله حیات را به صورت مشخص تعریف و تصنیف نماید و موضوع را به رشته های مختلف علم بیالوژی بسپارد فلسفه به طور مجرد این موضوع را مطرح می کرد که حیات عَرَض است یا جوهر و قرن ها در باره عَرَض بودن یا جوهر بودن مقوله حیات بحث های فلسفی می کردند و بالطبع از این بحث های مجرد به نتیجه ای نمی رسیدند. در جَرِیانِ قرون وسطی دین و فلسفه باهم در جنگ و یا آشتی بودند اما با زندگانی عملی هیچ رابطه نداشتند. عیسویت به عنوان دین حاکم در کشورهای اروپایی دو نقش بسیار منفی بازی می کرد. نخست مدارس کشیش پروری فراوان ایجاد میکرد به طوری که برای هر دهکده دو یا سه کشیش می رسید و دوم اینکه جوانان را از زندگانی اجتماعی بیرون می بُرد و به نام خدمت به دین یا عبادت در راهب خانه ها و راهبه خانه ها زندانی می کرد. مولانا وقتی می گوید:

### مصلحت در دین ما جنگ و شکوه

### مصلحت در دین عیسی غار کوه

به طبیعت پویان و جُست و جوگر تمدن اسلامی اشاره می کند. از دید مولانا مصلحتِ مسلمان در سه جنگ است و این سه جنگ در جامعه اسلامی شکوه و عظمت می آفریند. جنگ با نفس اماره و خود داری از فساد و رشوه خواری؛ جنگ با نظام منی بر شر و فساد به خاطر تأمین عدالت اجتماعی و جنگ با طبیعت به منظور توسعه اختیار و تسلط انسان بر طبیعت یا به سادگی تسخیر طبیعت. بدبختانه مسلمانان گرفتار سلطنت های مطلق العنان و میراثی و بسیار استبدادی شدند و استبداد برای اینکه علت وجودی اش مورد پُرسش قرار نگیرد جهل میگسترده و جلو کنجاوی را می گیرد. استبداد نظام اجتماعی را جنبه دینی می دهد و انتخاب نظام را حق مردم نمی داند و نتیجه این می شود که هر زور آور می تواند قدرت را به زور تصرف و اراده مردم را کنترل کند.

برای اینکه بحث خود را مختصر کنم باید به عرض برسانم که رنسانس آمد و گریبان جوامع اروپایی را از شر مدارس کشیش پروری و صومعه سازی که هر دو مردم را از کار تولیدی و مثمر بیرون می آوردند؛ نجات داد و موضوع احتیاج؛ پلانگذاری و ایجاد شغل های مؤلف ثروت را مطرح نمود. پلانگذار تعلیم و تربیه باید به سه پرسش اصلی پاسخ روشن داشته باشد.

❖ ۱- شاگردان را برای کدام شغل اجتماعی تربیه می کند؟

❖ ۲- تقاضای بازار کار برای آن شغل در چه سطح است و چند در صد شاگردان ممکن است به کار گماشته شوند؟

❖ ۳- شاگردان در افزایش ثروت اجتماعی نقشی دارند یا نه؟

حالا با این شاخص ها که برشمردیم به سراغ رژیم آل سعود در عربستان می رویم. این رژیم کاملاً جنبه دینی دارد و پادشاهان خویشتن را خادمان حرمین شریفین خوانده اند. عربستان اگر منابع سرشار نفتش نبود به اصطلاح هشتتس گرو نه بود و این خادمان حرمین شریفین چون خود بر دین تکیه دارند و ثروت دنیا را به نام دین گرد آورده اند در دیگر ممالک نیز بدون در نظر گرفتن نیاز و تقاضای بازار مدرسه ها ایجاد می کنند زیرا که شاگردان این مدرسه ها به بلند گویان رژیم آل سعود بدل می شوند.

اگر با یک حساب سرانگشتی بشماریم همین اکنون اگر در سرایای افغانستان دو ملیون مسجد وجود داشته باشد هر مسجد یک ملا؛ یک مؤذن و یک خادم مسجد دارد و بدین ترتیب عملاً شش ملیون نفر داریم که کار شان مؤلف ثروت نیست و به خرج دیگران زندگی می کنند و اکنون که عربستان می خواهد صد مدرسه دیگر برای افغانستان بسازد پلانگذاران تعلیم و تربیه به مردم بگویند که شاگردان این مدارس را در کجا به کار می گمارند و آیا این همه ملا در این مدارس همانند کشیشان قرون وسطی در باره موضوعاتی از این دست نخواهند پرداخت که بر نوک یک سوزن چند فرشته می تواند برقصد. شک نیست که در یک جامعه مسلمان به وجود یک تعداد روحانی ضرورت است چنان که غذا هم یک ضرورت اساسی زندگی است ولی اگر انسان اندازه نگاه ندارد و پُر بخورد گرفتار بدهضمی و استفراغ می شود. لطفاً جامعه را گرفتار استفراغ کردن ملا و طالب نساژید که اگر دیگران اراده کمک دارند پولش را برای تان بدهند و اما خرج پول را در اختیار تان بگذارند که اگر از گاو غود هم خیرش به مردم برسد بهتر است.

فا عتبروا یا اولی الابصار

نگارگر ششم جولای ۲۰۲۰ برمنگهم

\*\*\*\*\*

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این نویسنده بزرگ را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

پلانگذاری، کار اجتماعی و تعلیم و تربیه

[i\\_negargar\\_in\\_kabuk\\_digar\\_aan\\_kabol\\_nest.pdf](#)